

بررسی ترجمه کمیک استریپ‌های تن تن با استفاده از نظریه معنی‌شناسی

زاویه دید

ساغر جاویدپور^۱

مرضیه اطهاری نیک‌عزم^۲

چکیده

در این پژوهش، با تکیه بر اثری که هم نقش سرگرم‌کننده و هم آموزش زبان را دارد و نیز در جهان و ایران دارای محبوبیت است به تحلیل ترجمه کتاب‌های مصور تن تن می‌پردازیم. موضوع مورد بررسی مایزده عدد از مجموعه کتاب‌های "ماجراهای تن تن و میلو" است که با نام کمیک استریپ نیز شهرت دارند. نویسندگان این مجموعه بیست و دو جلدی ژرژ پروسپر رمی، مشهور به هرژه یا ارژه، نویسنده و کاریکاتوریست بلژیکی است که شهرتش به دلیل خلق ماجراهای تن تن است. مترجم این کتاب‌ها خسرو سمیعی است. در ایران اجازه چاپ و انتشار این مجموعه را انتشارات یونیورسال برعهده داشت که تنها سیزده جلد را چاپ کرد. در این پژوهش به بررسی ترجمه این مجموعه داستان‌ها پرداخته‌ام و چند پرسش اساسی را مطرح کرده‌ام: آیا مترجم زاویه دید نویسنده را رعایت کرده است؟ آیا مترجم در انتقال مفاهیم فرهنگی و فاکتورهای موجود در یک کتاب مصور به خوبی عمل کرده است؟ چگونه مترجم سبک نویسنده را منتقل کرده است؟ در واقع هدف ما بررسی عوامل مهم در ترجمه یک کتاب مصور است. با این هدف، از نظریه معنی‌شناسی زاویه دید بهره برده و بر اساس این نظریه به بررسی ترجمه کتاب‌ها پرداخته‌ام. این نظریه، نظریه نوینی است که پیش از این در مطالعات زبان شناختی استفاده شده است؛ اما در زمینه ترجمه‌شناسی نیز کاربرد دارد و نتیجه به دست آمده از بررسی دقیق‌تر خواهد بود.

واژگان کلیدی: کتاب مصور، تن تن، عناصر فرهنگی، نظریه معنی‌شناسی زاویه دید.

دوره پانزدهم شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱. کارشناس ارشد مترجمی‌زبان فرانسه دانشگاه شهید بهشتی

Saghar1992@rocketmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی

M-atharinikazm@sbu.ac.ir

3. Les Aventures de Tintin et Milou

4. La Sémantique des points de vue

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر می‌خواهیم مجموعهٔ ماجراهای تن تن نوشتهٔ ژرژ رمی معروف به هرژه را بررسی کنیم. هرژه نویسنده و کاریکاتوریست برجسته‌ای است که تاکنون آثارش به چندین زبان زندهٔ دنیا ترجمه و چاپ شده است. در ایران نیز انتشارات یونیورسال سیزده عنوان از این مجموعه بیست و دو جلدی را چاپ و منتشر کرده است که نگارنده مقاله تنها به یازده جلد آن دسترسی داشته است. ترجمهٔ این آثار نیز به قلم خسرو سمیعی است. در بررسی این نوع اثر عوامل مختلف از جمله انتخاب واژگان، زمان فعل، عوامل فرهنگی و... کار را برای مترجم دشوار می‌کنند. زبان‌های مختلف ساختارها و زاویهٔ دید متفاوتی دارند؛ در پیکرهٔ مطالعاتی ما زبان فارسی و فرانسه دو زبان دور از هم هستند که ساختارهای نحوی متفاوتی دارند که این امر ترجمه و انتقال معنا را برای مترجم سخت و گاهی دور از دسترس می‌گرداند و به همین دلیل متن می‌تواند دچار تغییرات بسیاری شود. در سال‌های اخیر که با ظهور نظریهٔ ترجمه‌شناسی این علم در ارتباط مستقیم با علم زبان شناسی قرار گرفته؛ ماهیت میان رشته‌ای ترجمه موجب شده است که متخصصان رشته‌های گوناگون، با بهره‌گیری از تخصص خود، به تبیین و توصیف مباحث ترجمه پرداخته و نظریه‌هایی در این حوزه ارائه کنند که با علوم دیگر به خصوص زبان‌شناسی در ارتباط است (اسلامی و فارسیان ۳۴). در این پژوهش دو سؤال اساسی را مطرح کردیم: آیا مترجم زاویهٔ دید نویسنده را منتقل کرده است؟ آیا مترجم در معادل‌یابی و انتخاب واژگان و انتقال عناصر فرهنگی به‌درستی عمل کرده است؟ هدف این پژوهش بررسی ترجمهٔ کتاب‌های مصور تن تن و به نوعی ارائهٔ روشی منسجم برای مطالعهٔ کتاب‌های مصور است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

کمیک استریپ^۱ یکی از انواع داستان‌پردازی است که قدمت آن به دوران باستان و کشور ایتالیا برمی‌گردد. داستان‌های تن تن در ایران همیشه محبوبیت داشته‌اند و انتشارات مختلفی تمام بیست و دو جلد آن را از زبان انگلیسی به فارسی چاپ کرده‌اند. امروزه کمیک استریپ‌ها علاوه بر جنبهٔ سرگرم‌کنندهٔ خود، جنبهٔ آموزشی در مسائل مختلف از جمله آموزش زبان خارجی دارند. بنابراین بررسی ترجمهٔ آن‌ها می‌تواند به

1. ComicStrip

بالا بردن سطح کیفیت و وجود اثری ترجمه شده با نقص‌های کمتر برای علاقه‌مندان به یادگیری زبان خارجی نیز مناسب باشد. ممکن است تصور شود که ترجمه کمیک استریپ دشواری چندانی ندارد چون همانند اثری ادبی دارای آرایه و سبک خاص و جملات پیچیده و طولانی ویا حتی جملات کوتاه که مفهومی وسیع و عمیق را در خود جای داده‌اند نیست؛ در واقع با وجود تفاوت ساختاری و سبکی کمیک استریپ بایک متن ادبی نمی‌توان ترجمه آن را کم‌ارزش و آسان شمرد. طبق پیشینه ایرانداک، ترجمه کمیک استریپ‌های تن‌تن در دانشگاه‌های ایران پیش از این در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی تحت عنوان بررسی عناصر خاص فرهنگی در ترجمه فارسی کتاب‌های ماجراهای تن‌تن مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری نیومارک^۱ و مدل ایویر^۲ به مطالعه عناصر فرهنگی پرداخته است. نیومارک (۱۹۸۸) ارجاعات فرهنگی را به پنج گروه تقسیم‌بندی کرد: (۱) محیط زیست؛ (۲) فرهنگ مادی؛ (۳) فرهنگ اجتماعی؛ (۴) سازمان‌ها، رسومات، فعالیت‌ها، رویه‌ها و مفاهیم؛ (۵) ایما و اشارات و عادت‌ها. پس از شناسایی ارجاعات فرهنگی، مدلی مورد نیاز بود تا ارزیابی ترجمه این عناصر با توجه به آن انجام شود. در این راستا پژوهشگر مدل ایویر را انتخاب کرد. ایویر (۱۹۸۷) هفت استراتژی را برای ترجمه عناصر خاص فرهنگی پیشنهاد داد. این استراتژی‌ها عبارت بودند از: وام‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی، تعریف، اضافه، جایگزینی، حذف و خلق واژگان. با توجه به مدل ایویر، پژوهشگر انواع عناصر خاص فرهنگی را در دو جلد از مجموعه ماجراهای تن‌تن مورد بررسی قرار داده است. عناوین این دو جلد از این قرار است: الف- زندانی‌های معبد خورشید؛ ب- جستجو در غار هیولا (تن‌تن در تبت). ما نیز در این پژوهش روشی جدید را در جهت مطالعه عناصر فرهنگی معرفی کرده‌ایم.

در خارج از ایران نیز این نظریه جدید است که به تازگی از رشته زبان‌شناسی به ترجمه‌شناسی منتقل شده و برای مطالعه ترجمه و ترجمه‌شناسی به کار گرفته می‌شود. پیر-ایو راکا خود بنیانگذار این نظریه و پیشرو است بیشترین دامنه تحقیقاتی را انجام داده است. رابط معنی‌شناسی و ترجمه گسترده و علمی نوپا است که در کشورهای غربی نظیر فرانسه، سوئیس و کانادا مورد توجه قرار دارد.

1. Newmark

2. Ivir

۳. روش تحقیق

نظریه‌ای که در این تحقیق از آن بهره برده ایم بر پایه نظریه معنی‌شناسی زاویه دید از پیر ایو راکا^۱ استوار است؛ نظریه‌ای که طبق آن واژگان به کار رفته در یک گفته زاویه‌های دید را ایجاد می‌کنند. براساس این نظریه، واژگان یک زبان واژه دیگری را نیز در لایه‌های خود پنهان کرده‌اند و این زاویه دید^۲ پنهان است که معنا^۳ را می‌سازد و مترجم باید بر اساس این زاویه‌های دید و متن موجود معادل درست واژه را بیابد (Raccah, Une sémantique du 215 point de vue). دراصل زاویه دید طبق نظر راکا همان محدودیت‌هایی است که کلمات در سایه معنای ثانویه بر خواننده تحمیل می‌کنند و زاویه دید خواننده را تشکیل می‌دهند. تغییر بیان تغییری در پیام است که در ترجمه نیز به دلیل تغییر زاویه دید پدید می‌آید (Vinay et Darbelnet 51). به باور بالار، نگرش هر زبانی به جهان با نگرش زبان‌های دیگر تفاوت دارد، ترجمه شاید اصلاً همان تغییر بیان باشد (Ballard, 5). بنابراین منظور از زاویه دید در پژوهش حاضر زاویه دید روایی طبق نظر ژرار ژرانت^۴ (علیزاده و سلیمیان ۱۱۴) نیست؛ بلکه با تکیه بر پیکره مطالعاتی خود و مثال‌های برگزیده، نقاط مثبت و منفی ترجمه را بررسی می‌کنیم. یکی از راه حل‌های این مشکل، یاری جستن از معنای ثانویه^۵ یا هاله‌های معنایی^۶ مرتبط با واژگان است؛ زیرا، به گفته آندره مارتینه^۷ (مارتینه ۲۰۰۱)، "فرهنگ را نمی‌توان در معنای صریح واژگان یافت؛ بلکه باید آن را در میان هاله‌های معنایی جست". پس بنابراین گفته، در ترجمه نمی‌توان برای همه واژگان به راحتی معادلی مناسب و درست یافت و باید هاله‌های معنایی را بررسی کرد؛ اگر هم با عبارت و یا جمله‌ای طولانی دست به گریبان باشیم کار سخت‌تر خواهد بود. در واقع معنای ثانویه آن بخش از معنای واژه‌ها و جملات است که به بافت غیرزبانی و جنبه‌های عاطفی و فرهنگی مربوط است؛ به معنی واژه‌ها و مفاهیم دیگریست که با خواندن یا شنیدن یک واژه در بافت متن به ذهن خواننده یا شنونده خطور می‌کند باعث تشخیص معنی درست و مشخص واژه در آن بافت خاص می‌شود و با عوامل فرهنگی در ارتباط است. هاله معنایی

1. Pierre -Yves Raccah

2. Le point de vue

3. Sens

4. Gerard Gérante

5. Les connotations

6. Sémèmes

7. André Martinet

که ارتباط نزدیکی با معنی ضمنی یا ثانویه دارد، خود کوچکترین واحد معنایی غیرمستقل است که برای اولین بار اریک بویسنس^۱ این اصطلاح را مطرح کرد. هر هاله معنایی می‌تواند مثبت، منفی یا تهی باشد؛ برای مثال می‌توان واژه‌های مبل و صندلی را در نظر گرفت که هر دو پایه دارند (+)، مبل حتما دسته دارد ولی صندلی می‌تواند بدون دسته باشد (-) (Raccah, Une description. 186-178) طبق نظریه معنی‌شناسی زاویه دید، واژگان به کار رفته در یک گفته زاویه‌های دیدی را در خود مستتر دارند، به نظر وی واژگانی که به کار می‌بریم، ایدئولوژی را در بر دارند که نشان دهنده تحول فرهنگی و زبانی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم و همچنین زبانی که با آن صحبت می‌کنیم. در اینجا بحث از ایدئولوژی است؛ زیرا، زاویه‌های دیدی که واژگان به ما نشان می‌دهند، پیش فرضی را در تغییر گفته‌ها ایجاد می‌کنند (راکا ۲۴). این پژوهش را به چند بخش تقسیم می‌کنیم، تا در هر قسمت به بررسی کیفیت ترجمه پردازیم. اکنون با استفاده از این نظریه به بررسی هاله‌های معنایی واژگان، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و همچنین عناصر مهم دیگر در ترجمه کمیک استریپ‌های تن تن می‌پردازیم. در این راستا عوامل مهم در ترجمه را برمی‌شماریم:

- انتخاب واژگان (در ارتباط با فرهنگ و مذهب مخاطب ایرانی)
- اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها
- لحن و سطح زبانی
- کلمات توهین آمیز و دشنام‌ها
- لهجه‌ها و زبان‌های غیر از زبان متن اصلی
- شیوه صحبت کردن دوپونت و دوپونز
- نام آواها

با استفاده از مثال‌های برگزیده به بررسی هریک از موارد بالا می‌پردازیم.

۴. بحث و بررسی

۴.۱. انتخاب واژگان (در ارتباط با فرهنگ و مذهب مخاطب ایرانی)

در ترجمه از هر زبانی به زبان دیگر، خصوصا زبان‌های دور از هم مانند فرانسه و

1. Éric Buysens

فارسی، مترجم که در انتخاب واژگان گاهی دچار مشکل می‌شود سعی می‌کند تا با استفاده از واژه‌هایی در زبان مقصد متن را برای مخاطب خود روان‌تر و نزدیک‌تر به فرهنگ و سنت وی کند. طبق نظریه معنی‌شناسی زاویه دید، مترجم باید برای ایجاد این نزدیکی واژه‌ای را به متن اضافه کند؛ این واژه که دارای هاله‌های معنایی است بر متن و دیگر واژگان تاثیر گذاشته و می‌تواند زاویه دید نویسنده را تغییر دهد و گاهی مترجم ممکن است در شناساندن فرهنگ زبان مبدأ به مخاطب دچار اشتباه شود.

مثال ۱:

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
پس خب	-	اعتقاد خدا خارج از کنترل بشر امیدواری	انشاءالله	le résultat être attendu	Alors

در این مثال، مترجم با استفاده از کلمه "انشاءالله" هاله‌ی فرهنگ و سنت ایرانی را وارد متن می‌کند که این واژه به دلیل داشتن واحدهای معنایی بیشتر و متفاوت از کلمه اصلی، زاویه دید نویسنده را تغییر می‌دهد.

مثال ۲:

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
موفق باشی	-	خدا ایمان خارج از کنترل امیدواری مذهب شادی	انشاءالله خوش بگذره	le souhait le succès la joie l'espérance	Bonne chance

باز هم مترجم با افزودن واژه انشاءالله سعی در نزدیک کردن فرهنگ کشورها به هم داشته است، خصوصاً که استفاده از واژه‌های انشاءالله، ماشاءالله، الحمد لله و ... همیشه در زبان ما وجود داشته و دارد.

مثال ۳ :

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
ای کاش امیدوارم	-	خدا ایمان مذهب خارج از کنترل امیدواری	انشاءالله	la condition le souhait si	Pourvu que

در این مثال نیز مترجم با استفاده از "انشاءالله" مخاطب را دچار اشتباه می‌کند و به وی می‌قبولاند که در زبان مبدأ نیز از واژگانی که ترجمه آن‌ها در زبان فارسی بدین گونه است، استفاده می‌شود. با وجود اینکه در واژه فرانسه امید وجود دارد اما اثری از قدرت خداوند و خواست او در انجام پذیرفتن یا نپذیرفتن عملی به چشم نمی‌خورد. پس بهتر بود در ترجمه مثال‌های آورده شده، مترجم با دقت بیشتری عمل می‌کرد و فرهنگ و شیوه به کار بری واژگان زبان فرانسوی را به زبان فارسی نزدیک نمی‌ساخت.

مثال ۴ :

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
تند سریع زود	~	خدا، ایمان، مذهب، سنت، اجازه، سرعت، عجله، نگرانی، حجاب	یا الله	la vitesse la halte l'inquiétude	Vite

در این مثال مترجم نسبتاً درست عمل کرده، اما بهتر بود مترجم به جای استفاده از واژه‌ی الله که جنبه دینی و فرهنگی ایرانی-اسلامی را در خود دارد و از فرهنگ زبان مبدأ به دور است، از واژه تندیا سریع بهره بگیرد.

مثال ۵ :

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
عبادتگاه کلیسا	~	خدا، ایمان، اعتقاد، مسجد، اسلام	نماز خانه	la religion, la foi, Jésus, Dieu	Chapelle

در این مثال نیز مترجم سعی کرده تا معادل مناسبی برای واژه فرانسوی قرار دهد که البته تا حدودی توانسته منظور را برساند؛ اما نمازخانه بیشتر در فرهنگ اسلامی و

ایرانی قابل لمس و درک است نه در فرهنگ و بافت متنی کتاب‌های مصور تن تن پس می‌توانست معادل مناسب‌تری پیدا کند که نه تنها معنا را برساند بلکه به فرهنگ زبان مبدأ نزدیک‌تر باشد.

۴.۲. اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات برای درک دیدگاه‌ها و جهان بینی یک جامعه بسیار مهم اند و به گفته لطافتی و صرافان (۲۰۰۹، ص ۹۶)، "ترجمه‌ی اصطلاحات نکته بسیار حساسی است؛ زیرا، در واقع احساسات، افکار و اعمال با واژگان یکسانی در زبان‌های گوناگون بیان نمی‌شوند. این اصطلاحات در اغلب موارد به تجربیات زندگی، فرهنگ، تاریخ،... یک کشور وابسته هستند". همچنین قانعی فرد (۱۳۷۶، ص. ۲۶۰) درباره ترجمه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها این گونه تاکید می‌کند

"مترجم نباید اصطلاحات^۱ و ضرب‌المثل‌ها^۲ را تحت اللفظی ترجمه کند؛ بهتر است که معادل مناسبی جایگزین آن کند، حتی اگر واژگان به کار رفته در اصطلاحات زبان مقصد کاملاً با واژگان زبان مبدأ^۳ مطابق نباشد". باید به این نکته توجه نمود که "هنگام ترجمه، نباید نه در عناصر زبان شناسی به دنبال معادل اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها گشت و نه در جملات، بلکه باید در کارکرد آن اصطلاح معادل آن را جست. اصطلاح در زبان مبدأ باید با اصطلاحی در زبان مقصد جایگزین شود که همان کارکرد زبان مبدأ را داشته باشد. فرایند به کار رفته در این مورد جایگزینی نشان‌های از زبان مبدأ با نشان‌های از زبان مقصد^۴ است" (لطافتی و صرافان، ۲۰۰۹، ص ۱۰۴).

برگردان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحاتی دیگر از مسائلی است که با چالش‌های فراوانی از جنبه‌های مختلف به ویژه جنبه‌های فرهنگی رو به روست. به طور کلی هر اصطلاح دارای مشخصه‌هایی کلی از قبیل معنای مجازی، معنای تحت اللفظی، ویژگی‌های عاطفی، خصوصیات سبکی و رنگ و بوی ملی و قومی می‌باشد که مترجم برای معادل‌یابی مناسب باید این مشخصه‌ها را در نظر بگیرد. در این قسمت از زاویه دید به عنوان نوعی معیار برای بیان عملکرد مترجم در انتقال مفهوم و مقایسه دیدگاه خواننده فرانسوی با خواننده ایرانی در استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها استفاده

1. Les expressions

2. Les proverbes

3. La langue source

4. La langue cible

شده است.

در زیر مثال‌هایی را آورده‌ایم که مترجم در آن تقریباً موفق به انتقال معنا شده است :

مثال ۱ :

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید
Par les moustaches de Plekszy –Gladz!	به سر پیشوای بزرگ قسم	~

پلکسی گلدز پیشوا و رهبر کشور خیالی هرژه بودوریا است. سبیل‌های وی سمبول قدرت وی هستند. این اصطلاح مورد علاقه دوستان و پیروان و افراد زیر دست اوست که نشانگر اتحاد آن‌ها است. مترجم به جای سبیل، واژه سر را قرار داده است، اما تقریباً توانسته مفهوم را منتقل کند.

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید
Se laisser couler à pic!?	بذاره عزرائیل بهمین سادگی سراغش بیاد.	~

اصطلاح فرانسوی معنای غرق شدن و مرگ را دارد و کاپیتان‌هاوک (از شخصیت‌های اصلی داستان) بیشتر از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که به دریا، کشتی و دریانوردی مربوط است. مترجم نیز در انتقال مفهوم کلی که مرگ و از بین رفتن است به خوبی عمل کرده است.

مثال‌هایی که مترجم در ترجمه آن‌ها ناموفق بوده و یا نتوانسته معادلی برای اصطلاحات

بیابد :

مثال ۱ :

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید
J'en mettrais ma main au feu	حاضرم دستم رو روی آتش بذارم	—

مترجم این اصطلاح را کلمه به کلمه ترجمه کرده است. در حالیکه به معنی مطمئن بودن است.

مثال ۲ :

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید

Faute de grive, on mangedes merles	Ø	_
------------------------------------	---	---

مترجم نتوانسته برای این ضرب المثل معادل مناسبی بیابد. مترجم می‌توانست این ضرب‌المثل را این‌گونه ترجمه کند.
باید به چیزی که داریم قانع باشیم.
مثال ۳:

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید
J'en ai les jambes coupées	مثل اینکه پاهامو بریدن	-

مترجم این اصطلاح را تحت‌اللفظی ترجمه کرده است درحالی‌که این اصطلاح به معنی ناامید کردن کسی است.

مثال ۴:

متن اصلی	ترجمه	زاویه دید
Tout est bien qui finit bien!	جوجه رو آخر پاییز میشمارن	-

این ضرب‌المثل به معنای این است که پس از سختی‌های بسیار به پایانی خوش می‌رسیم در حالی‌که معدل انتخابی مترجم این مفهوم را بیان نمی‌کند.
از بررسی مثال‌های انتخابی متوجه می‌شویم که مترجم در ترجمه و انتقال اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها به خوبی عمل نکرده است.

۴.۳. لحن و سطح زبانی

در ترجمه‌یک اثر توجه به سطح زبانی اثر و هریک از شخصیت‌ها اهمیت ویژه ای دارد. نحوه صحبت کردن، واژه و اصطلاحاتی که افراد مختلف جامعه از طبقات متفاوت جامعه به کار می‌برندیکسان نیست و متناسب با تحصیلات، شغل، فرهنگ، اعتقادات و خانواده متفاوت است. پس رعایت سطح‌های زبانی به ترجمه بهتر و شناخت بهتر شخصیت‌ها کمک می‌کند. در زیر مثال‌هایی را نشان داده‌ایم که مترجم در انتقال سطح زبانی به درستی عمل کرده است و یا تقریباً توانسته سطح زبانی را رعایت کند.

مثال ۱:

متن اصلی	سطح زبانی	ترجمه	سطح زبانی	زاویه دید
Qu'est-ce qui te prend ?	familier	باز کک افتاد تو تنبونت؟	familier	+

مثال‌هایی که در آن‌ها مترجم در انتقال سطح زبانی ناموفق بوده است :

مثال ۱ :

متن اصلی	سطح زبانی	ترجمه	سطح زبانی	زاویه دید
le chauffeur	courant	شوفر	familier	—

در مثال بالا، واژه "شوفر" از زبان فرانسوی وارد زبان فارسی شده است و در هر دو زبان به یک معناست، اما از نظر کاربرد در زبان فارسی با زبان فرانسوی متفاوت است؛ در زبان فارسی بیشتر در سطح زبانی عامیانه به کار می‌رود اما در زبان فرانسوی در سطح زبانی رایج و معمولی.

مثال ۲ :

متن اصلی	سطح زبانی	ترجمه	سطح زبانی	زاویه دید
C'est mon domestique	Courant	نوکر منه	Familier	—
Vous le savez aussi bien que nous !	Courant	خودتو به کوچه علی چپ زن!	Familier	—
Bonjour	Courant	سام علیکم	Familier	—

علاوه بر این سه تن از شخصیت‌های اصلی داستان یعنی: تن‌تن، کاپیتان‌هاوک و پروفیسور تورنسل با وجود رابطه نزدیک بینشان و دوستی و صمیمیت هرگز یکدیگر را با ضمیر "تو" خطاب نمی‌کنند و شاید بتوان گفت که این موضوع یک فاکتور مهم نزد نویسنده بوده و یا اینکه در زمان نگارش این مجموعه داستان‌ها این نحوه مخاطب قرار دادن مرسوم بوده است. در ترجمه، مترجم به جای استفاده از ضمیر "شما"، در همه جا از "تو" استفاده کرده است. در زبان فارسی و فرانسه دوستان و افراد نزدیک یکدیگر را با "تو" خطاب می‌کنند، اما در داستان بدین گونه نیست پس بهتر بود که مترجم ضمیر "شما" را حفظ کند و زاویه دید نویسنده را رعایت کند. علاوه بر این با بررسی مثال‌ها فهمیدیم که مترجم در بسیاری از موارد سطح زبانی را رعایت نکرده است.

۴.۴. کلمات توهین آمیز و دشنام‌ها

در مجموعه داستان‌های تن‌تن، کاپیتان‌هاوک شخصیتی است که بسیار سریع عصبانی و همین‌طور بسیار سریع آرام می‌شود و این تغییر احساسات خصوصاً در وقت عصبانیت

و مخصصه را با واژگان توهین آمیز و دشنام به اطرافیان و زمین و زمان نشان می‌دهد. بسیاری از واژگانی که وی به کار می‌برد به دلیل درینورد بودن وی به گونه ای با دریا و آب در ارتباط است؛ گذشته از این برخی واژه‌ها ریشه خارجی دارند و از کشورها و زبان‌های دیگر و حتی از علم گیاه‌شناسی و جانورشناسی گرفته شده‌اند که این خود سبک و ویژگی و خلاقیت هرژه را نشان می‌دهد. برای بررسی معادل‌های مورد استفاده مترجم باید واحدهای معنایی واژگان را بررسی کنیم. مثال‌هایی که مترجم موفق به یافتن معادل مناسب شده است :

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
	+	تاریک عمق کوه	غارنشینا	l'obscurité la montagne la profondeur	troglodytes
	+	خشونت درد ناراحتی اذیت و آزار	وحشی	la nature le foret la peur la violence la douleur	brute
	+	بی فایده اضافه بودن بی خاصیت	زالوی اجتماع	la société la loi la vie la pauvreté la misère	va-nu-pieds

مثال‌هایی که مترجم نتوانسته معادل مناسب و درست بیابد:

پیشنهاد	زاویه دید	واحد معنایی	واژه فارسی	واحد معنایی	واژه فرانسوی
منفعت جو سود جو	—	Ø	Ø	Ø	profiteur
در حال انفجار قلنبه	—	Ø	Ø	Ø	gros pleins- de- soupe
مستبد دیکتاتور ظالم ستمگر	—	شيفتگی علاقه افراط	مرده اتومبیل	Ø	autocrate
خنگ نادان احمق	—	توهين تحقير بی شخصیتی	بی آبرو	Ø	moules à gaufres

با بررسی مثال‌ها متوجه می‌شویم که مترجم در بسیاری از موارد نتوانسته معادل مناسب و درستی بیابد. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که ترجمه واژگان مخصوص هرژه کار آسانی نیست و هم اینکه نسخه ترجمه شده دیگری وجود نداشته و این کار، اولین ترجمه آثار تن‌تن به فارسی بوده است و یافتن معادل مناسب برای برخی واژگان و اصطلاحات دشوار بوده است.

۴.۵. لهجه‌ها و زبان‌های غیر از زبان متن اصلی

معمولا در ترجمه یک متن از زبانی به زبان دیگر لهجه‌ها، گویش‌ها و همچنین زبان‌های دیگر غیر از زبان متن اصلی مشاهده می‌شود. در مجموعه داستان‌های تن‌تن نیز با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در صحبت کردن زبان فرانسوی لهجه خارجی دارند مثل اسپانیایی‌ها که برای فرانسوی صحبت کردن لهجه خود را دارند و حتی گاهی از کلمات اسپانیایی به جای واژه‌های فرانسوی استفاده می‌کنند؛ برای مثال به جای به کار بردن موسیو از سینیور استفاده می‌کنند.

مثال‌هایی که در آن‌ها مترجم در انتقال و نشان دادن لهجه خارجی و زبان دیگر جز زبان اصلی متن به درستی عمل نکرده است:

متن اصلی	ترجمه	آنالیز	زاویه دید
Monzieu!	آقا	لهجه خارجی در ترجمه نشان داده نشده است	—
Wladimir! Eh! Wladimir! ... onflsz- klowaswavuh dzapieh . . . eihdoszt... !	کاپیتان تشنشونه! براشون آشامیدنی بی آورید	زبان سیلدیویایی که ساخته هرژه است به زبان فارسی ترجمه شده گویی که زبان اصلی متن است؛ در حالیکه بهتر بود همان گونه که در متن اصلی است منتقل شود.	—
Good bye	مرحمت شما زیاد	با ترجمه این واژه انگلیسی به فارسی، خواننده متوجه وجود دو زبان یعنی زبان فرانسوی و انگلیسی در متن نمی شود. مترجم علاوه بر ترجمه این واژه سعی در فارسی کردن آن هم داشته است؛ زیرا معمولاً "مرحمت شما زیاد" برای ادای احترام و خداحافظی به کسی به کار می رود در حالیکه در متن اصلی چنین نیست.	—
Yé suis	من هستم	گوینده این جمله فردی اسپانیاییست که زبان فرانسوی را با لهجه اسپانیایی صحبت می کند، اما وجود این لهجه در ترجمه مشاهده نمی شود	—

مثال هایی که در آنها مترجم توانسته وجود لهجه و زبانی جز زبان اصلی متن را نشان دهد :

متن اصلی	ترجمه	آنالیز	زاویه دید
Good news	گود نیوز	مترجم واژه انگلیسی را ترجمه نکرده و آن را به صورت فارسی نوشته است. بهتر بود که واژه انگلیسی را همانگونه که بود می نوشت از پا ورقی برای توضیح استفاده می کرد.	~

همانگونه که دیدیم، مترجم نتوانسته وجود لهجه‌ها و زبان‌های دیگر جز متن اصلی را نیز انتقال دهد و با ترجمه آن‌ها حضور این زبان‌ها و لهجه‌ها را از بین برده است.

۴.۶. شیوه صحبت کردن دوپونت و دوپونت^۱

دوپونت و دوپونت برادران دوقلویی هستند که با وجود نزدیکی و همکار بودن (هر دو کارآگاه هستند) نوعی رقابت و حتی گاهی حسادت بین این دو وجود دارد که باعث می‌شود جمله ای که یکی از آن‌ها بیان می‌کند را برادر دیگر تکرار کند؛ این تکرار در بسیاری از موارد نادرست و با اشتباه سهوی در تلفظ کلمات و یا جابه جایی تلفظ در حروف یک کلمه است. در واقع این امر خاص نویسنده است که متن را با طنز همراه می‌کند و خواننده را می‌خنداند. نه تنها شیوه صحبت کردن این دو شخصیت، بلکه حرکات آن‌ها نیز باعث خندیدن خواننده می‌شود. مثال‌هایی که مترجم توانسته این اشتباه تلفظ را نشان دهد:

متن اصلی	ترجمه	آنالیز	زاویه دید
Dupont: Pournous, l'acclairer et faire, n'est-ce pas Dupond?	دوپونت: برای ما موضوع موشنه مگه نه دوپونت؟	همانطور که در مثال دیده می‌شود، مترجم توانسته اشتباه در تلفظ و جابه‌جایی حروف را نشان دهد.	+
Autant chercher une aiguille dans une ...!botte de foin Je dirais même-plus: autant chercher une aiguille dans une fotte de boin	- مثل پیدا کردنه‌یه سوزنه تو بار کاه... - از اونم بالاتر، مثل پیدا کردنه‌یه کوزن تویه بار ساهه!...	مترجم جابه‌جایی حروف را نشان داده است امام در حقیقت جابه‌جایی حروف در کلمه سوزن اتفاق نیفتاده است، بلکه در "بار" و "کاه" اتفاق افتاده است.	~

مثال‌هایی که مترجم نتوانسته اشتباه در تلفظ و جابه‌جایی حروف را نشان دهد:

متن اصلی	ترجمه	آنالیز	زاویه دید
Ici Dupond avec d et Dupont avec t nos veilleurs boeux ... euh... nos beil... leursmoeux de [...]	اینجا دوپونت با ت و دوپونت با ط، با مهمترین آرزوهای... اوه... بله، آرزوهای قلبی برای...	دوپونت و دوپونت می‌خواهند درباره موضوعی به کاپیتانها دوک تبریک بگویند؛ دوپونت سعی می‌کند کلمه اشتباهی که استفاده کرده را تصحیح کند اما موفق نمی‌شود. این عدم موفقیت و تلاش دوپونت در ترجمه دیده نمی‌شود.	—
Dupond: Je ... euh... je dois avoir freiné un tout petit peu trop ... tard Je dirais :Dupont même plus: Tu dois avoir treiné un tout petit peu trop fard	دوپونت: راستش فکر کنم یه خورده دیرتر ترمز کردم... دوپونت: از اونم بالاتر: تویه خورده دیرتر از موقع لازم ترمز کردی!	مترجم جابه‌جایی حروف را نشان نداده است.	—
Dupond: C'est ça; vous avez laché votre château pour courir vers le [...].râteau	دوپونت: بله، پس تو قصر رو ول کردی و دویدی بطرف بیل!...	خواننده ایرانی با این مثال نمی‌تواند متوجه جابه‌جایی بخشی از کلمه شود که در château و râteau مشترک است.	—

همانطور که دیدیم، مترجم در برخی موارد موفق به انتقال سبک نویسنده در شیوه صحبت کردن این دو شخصیت شده است.

۴.۷. نام آواها

نام‌آوا در زبان‌شناسی به واژه‌هایی گفته می‌شود که از صداهای موجود در طبیعت تقلید شده‌اند، مانند چهچهه، (آسمان) غرمبه، شیهه، ترقه، شرشر و امثال آن. نام‌آوایی از پاره‌های گفتار است و در همه زبان‌های جهان نیز وجود دارد. کمیک استریپ‌ها یا کتاب‌های مصور تنها محدود به بخش نوشتاری نمی‌شوند بلکه بخش صوتی هم دارند.

اصوات خود بخشی از متن هستند که به کمک آن‌ها می‌توان مسیر و اتفاق‌های داستان را بهتر درک و دنبال کرد. در واقع در کتاب‌های مصور مانند فیلم اصوات وجود دارند که شنیده نمی‌شوند، حرکات وجود دارند ولی چیزی تکان نمی‌خورد. در واقع نام آواها برای بیان بخش شنوایی استفاده می‌شوند، به عبارت دیگر، برای روشن شدن صداهایی که بیان نشده است. آن‌ها همچنین می‌توانند برای افزایش اثر تصویر مورد استفاده قرار گیرند. آن‌ها را جلوه‌های صوتی هم می‌نامند. یک اثر صوتی می‌تواند صدا را نشان دهد، که ممکن نیست در شکل گرافیکی و همچنین عمل نشان داده شود. برای مثال انفجار را می‌توان با نقاشی نشان داد اما بدون صدای "بوم" تاثیر کمتری خواهد داشت. نام آواها صدای کتاب‌های مصور هستند (سلیا ۳۶-۳۵). نام آواها ممکن است در ابرها و یا در تصاویر قرار گیرند. هر زبانی نام آوای مخصوص به خود را دارد، پس ترجمه و انتقال مفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد دشوار است. نام آواها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱) اصوات طبیعی؛

۲) اصوات مصنوعی

اصوات طبیعی را انسان‌ها و حیوانات تولید می‌کنند. برای مثال: هاپچی را انسان و قوقولی قوقو، قد قد قدا را حیوانات تولید می‌کنند. اصوات مصنوعی اصوات مکانیکی هستند. اصوات طبیعی را هم می‌توان به گروه‌های دیگر تقسیم کرد؛ اصواتی که برای بیان عواطف و احساسات به کار می‌روند، مانند: آی، اوف، وای ویا اصواتی که تلفظ نمی‌شوند بلکه به خودی خود تولید می‌شوند، مانند: قورت قورت به هنگام نوشیدن چیزی ویا هاپچی به هنگام عطسه. اصوات مصنوعی هم می‌توانند به سه دسته تقسیم شوند:

۱) اصوات بیان‌کننده یک عمل، مانند کوبیدن بر در "تق تق"؛

۲) اصواتی که اشیا تولید می‌کنند، مانند صدای بستن در؛

۳) اصوات نتیجه یک عمل، مانند زنگ تلفن: رینگ رینگ

علاوه بر این، اصوات بیان‌کننده احساس همیشه جزو نام آواها قرار نمی‌گیرند بلکه برخی مانند "هورا" حرف ندا هستند. نام آواها و حروف ندا که از اجزای مهم کمیک استریپ‌ها هستند را همیشه نمی‌توان به آسانی ترجمه کرد. آن‌ها رابطه تنگاتنگی با تصویر و متن دارند. نام آواها دارای دو وجه هستند: جنبه متنی / زبان شناسی، جنبه

دیداری/گرافیکی. این دو وجه می‌تواند مترجم را با محدودیت‌هایی مواجه کند.

۴.۷.۱. جنبهٔ متنی/زبان شناسی

در هر زبان، نام آواها اغلب دارای صداها، حروف یا ترکیبی از حروف غیر عادی زبان مورد نظر است. مثلا، حرف لاتین k در زبان فرانسه متداول نیست اما در نام آوای clink به چشم می‌خورد. شکل نام آوا می‌تواند برای نشان دادن تفاوت در لحن و تن صدا تغییر کند؛ کشیده ترنوشته شود (دییییینگ، آآآی)، تکرار شود (بررر برر) و حروف یا پیشوندی به آن اضافه شود (اوی آی). در همهٔ این موارد نام آوا به گونه‌های متفاوت شنیده می‌شود اما ماهیتش تغییر نمی‌کند. به طور کلی می‌توان گفت که نوشتار نام آواها به نگارش فونتیکی بیشتر شبیه است تا نگارش عادی.

۴.۷.۲. جنبهٔ دیداری/گرافیکی

علاوه بر حروف نام آواها ممکن است شامل عناصر دیگری نیز باشند، مانند: رنگ و علایم نگارشی. همچنین با تکیه بر ظاهر نام آوایی شیوه نگارش آن در متن می‌شود بلند و آرام بودن صدایی که نام آواها انتقال می‌دهند را نشان داد: صداهای بلند با حروف بزرگ و پررنگ نشان داده می‌شوند و صداهای ضعیف با حروف کوچک و باریک. حروف می‌توانند جهت حرکت را دنبال کنند و به این ترتیب، توهم جنبشی را تقویت و بیننده را هدایت می‌کنند (یلا اوتتان، ۲۰۱۳، ص. ۷).

این دو جنبه ممکن است مشکلاتی را برای مترجم‌ها ایجاد کنند. علاوه بر این، فضا و تصویر، دو عنصر مهم در کمیک است که باعث بروز مشکلاتی برای مترجم می‌شود، زیرا تصاویر و متن در ابرهایی هستند که آزادی مترجم را محدود می‌کنند. به بیان دیگر مترجم نمی‌تواند مکان آن را عوض کند، به اندازه آن با جملات یا افزودن نام آوای دیگر آن را بزرگ یا آن را کوچک کند. تصویر باید در متن مقصد به همان شیوه منتقل شود. متن ترجمه شده، با وجود تفاوت‌ها در طول کلمات و عبارات، باید در همان فضای اصلی قرار گیرد (مارنی، ۱۹۸۶، ص. ۲۴۲). در این قسمت منظور از زاویهٔ دید در واقع همگون بودن نوع نگاه خوانندهٔ فرانسوی و خوانندهٔ ایرانی در به کارگیری نام آواها و معادل مناسب بیان گرو انتقال دهندهٔ صداها و اتفاقات درون داستان است؛ در واقع زاویهٔ دید نشان دهندهٔ میزان دقت مترجم در بیان حوادثی است که در داستان با استفاده

از نام‌آواها نشان داده شده است.

اکنون مثال‌هایی را می‌بینیم که در آن‌ها مترجم موفق به انتخاب مناسب برای نام‌آواها شده است:

زبان فرانسوی	ترجمه	بررسی	زاویه دید
Pan	تق	(Pan (coup de feu تق (coup de feu)	+
Platch	شلپ	(Platch (l'eau شلپ (l'eau)	+
Toc Toc Toc	تق تق تق	Toc Toc Toc (frapper à la porte) تق تق تق (frapper à la porte)	+
Pttt	پت پت	(Pttt (une panne پت پت (une panne)	+

مثال‌هایی که در آن‌ها مترجم دریافتن معادلی مناسب موفق نبوده است:

زبان فرانسوی	ترجمه	بررسی	زاویه دید
Aie	آخ!... سوختم!	Aie (cri de douleur) آخ!... سوختم! مترجم به جای استفاده از نام آوای مناسب آن را توضیح داده است.	~
Clac	∅	Clac (fermer la porte/ (claquer/coup ∅ (مترجم این نام آوا را ترجمه نکرده است)	-
Grmblll	بنگ	Grmblll (marmonnement) بنگ (coup de feu), (explosion)	

نتیجه‌گیری

ترجمهٔ کمیک استریپ‌ها به زبان فارسی هنوز مسئلهٔ تازه‌ای است که نیازمند مطالعه و

بررسی بیشتر است؛ نه تنها از لحاظ ترجمه و انتخاب نظریه مناسب در ترجمه بلکه از نظر عناصر و ویژگی‌های مهم متنی و دیداری. در هنگام ترجمه باید سعی شود در حد امکان، معنای ضمنی عناصر فرهنگی و زاویه دید نویسنده به زبان مقصد انتقال یابد. باید توجه داشت که یکی از عوامل کلیدی در هر ترجمه ای تصمیم گیری‌های مترجم است. یک مترجم خلاق، با ترجمه ای سلیس و روان و مستحکم، که نشأت گرفته از ذوق و قریحه نویسنده و تلاش و پشتکار در امر ترجمه است، می‌تواند بستری مناسب را برای جهانی شدن اثر خصوصاً اثر ادبی فراهم کند (خدا کرمی، ۸۶)؛ حال آنکه ترجمه کتاب مصور خود مقوله‌ای است جدید و نیازمند دقت عمل و مطالعه بیشتر در این حوزه است. برای حل مشکلات ترجمه و رسیدن به هدف تئوری "معنی شناسی زاویه دید" راهبردهای گوناگونی وجود دارد. در ترجمه وارد کردن فرهنگ زبان مقصد مناسب نیست، زیرا، بر زاویه دید نویسنده تاثیر می‌گذارد و خواننده نمی‌تواند به عنصر فرهنگی و زاویه دید گویندگان زبان مبدأ دسترسی داشته باشد. یکی از راهکارها برای ترجمه عناصر فرهنگی یک متن که شامل انتخاب واژه، ضرب‌المثل، اصطلاحات، دشنام‌ها و نام‌آواها است؛ انتخاب معادل نزدیک به آن در زبان مقصد است. در صورت نبودن معادل، می‌توان سعی کرد مفهوم آن را منتقل کرد و راه بعدی به کار بردن همان واژه مبدأ در زبان مقصد است که ممکن است باعث رواج یافتن کاربرد آن واژه در زبان مقصد شود. مانند واژه‌های چادر، حرام، بازار، برقع یا برقه، آباژور، تلفن و... که به دلیل روابط ملت‌ها بایکدیگر از زبانی به زبان دیگر انتقال یافته و استفاده می‌شود. راهکار دیگری هم وجود دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره شد. با توجه به تفاوت بسیاری که در فرهنگ و زبان فرانسوی و فارسی وجود دارد، مترجم در انتقال عناصر فرهنگی صد در صد موفق نبوده، مثلاً برای انتقال جملات و واژه‌ها عبارتهای خاص مخاطب ایرانی را به کار برده است. در انتقال اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها و دشنام‌ها چندان موفق نبوده و از لحاظ سطح زبانی و نشان دادن لهجه‌ها و زبان‌های مختلف به طور نسبی خوب عمل کرده است. در مورد نام آواها مترجم توانسته به خوبی عمل کند و معادل‌های مناسبی را جایگزین کند. بی شک راهکارهای دیگری نیز برای کمتر شدن مشکلات ترجمه عناصر فرهنگی وجود دارد که امید است صاحب نظران امر ترجمه و پژوهشگران نسبت به بررسی آن مطابق با این نظریه جدید اقدام کنند.

منابع

- خداکرمی، ف. (۱۳۹۵). *فردریش روکرت: مترجم صورت محوری معنا محور*. مجله نقد و زبان‌های خارجی، ۱۲(۱۶)، ۸۵-۱۰۷.
- همایون اسلامی و محمد رضا فارسیان. "بررسی کارآمدی فنون هفت‌گانه سبک شناسی تطبیقی در چارچوب نظریه ادبی (مطالعه موردی خانواده تیبو)". مجله نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۱۵، شماره ۲۰ (۱۳۹۷): ۳۳-۴۹.
- قانع‌فره، عرفان. *دمی با قاضی و ترجمه*. تهران: ژیار، ۱۳۷۶.
- کلانتری، محمود. *تولد تن تن*. تهران: آبادیران، ۱۳۹۴.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات ساحل، ۱۳۸۲.
- عمید، حسن. *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.
- ناصرعلیزاده و سونا سلیمیان. "کانون روایت در الهی نامه عطار براساس نظریه ژرار ژرانت". *پژوهش‌های ادب عرفانی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)*. سال ششم. شماره دوم (۱۳۹۱): ص ۱۱۳-۱۴۰.
- وحیدیان کامیار، تقی. *فرهنگ نام آوایی فارسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
- هرژه، ژرژ. *پرواز شماره ۷۱۴*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۴.
- هرژه، ژرژ. *تن تن در آمریکا*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۴.
- هرژه، ژرژ. *تن تن در کنگو*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۱.
- هرژه، ژرژ. *جزیره سیاه*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۰.
- هرژه، ژرژ. *جواهرات کاستافیوره*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۳.
- هرژه، ژرژ. *روی ماه قدم گذاشتیم*. سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۲.
- هرژه، ژرژ. *گنج راکام سرخ*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۴.
- هرژه، ژرژ. *ماجرای تورنسل*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۴.
- هرژه، ژرژ. *معبد خورشید*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۵.
- هرژه، ژرژ. *هدف کره ماه*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۰.
- هرژه، ژرژ. *هفت گوی بلورین*. خسرو سمیعی. تهران: یونیورسال، ۱۳۵۴.
- Apostolidès, Jean-Marie. (2004). *Tintin et le mythe du sur enfant*. Bruxelles: Edi-

tions Moulinsart.

- Athari NikAzm, Marzie. "Connotation et Point de vue, deux Notions qui se rapprochent". *Revue des Etudes de la langue française*, vol 2. n1 (2010): pp 5-26.
- Ballard, Michel. (2006). *A propos des procédés de traduction*. Retrieved from <http://www.palimpsestes.revues.org/386>.
- Hergé, Georges. *L'affaire Tournesol*. Bruxelles: Casterman, 1957
- Hergé, Georges. *Les bijoux de La Castafiore*. Bruxelles: Casterman, 1963.
- Hergé, Georges. *Le trésor du Rackham Le Rouge*. Bruxelles: Casterman, 1943.
- Hergé, Georges. *Les sept boules de cristal*. Bruxelles: Casterman, 1948.
- Hergé, Georges. *L'île noire*. Bruxelles: Casterman, 1966.
- Hergé, Georges. *Objectif Lune*. Bruxelles: Casterman, 1955.
- Hergé, Georges. *On a marché sur la lune*. Bruxelles: Casterman, 1962.
- Hergé, Georges. *Vol 714 pour Sydney*. Bruxelles: Casterman, 1968.
- Hergé, Georges. *Le temple du Soleil*. Bruxelles: Casterman, 1948.
- Hergé, Georges. *Tin tin au Congo*. Bruxelles: Casterman, 1931.
- Hergé, Georges. *Tin tin en Amérique*. Bruxelles: Casterman, 1946.
- Khatat, Nasrin and Golnaz Raadi Azerakhchi and Anne- Marie
- Movasegh. *Les proverbes et les expressions françaises*. Téhéran: SAMT, 2013.
- Letafati, Roya and Arjange Sarrafan Chaharsoughi. *Les théories de la traduction (Les problèmes de la traduction des textes littéraires persans en français)*. Téhéran : SAMT, 2009.
- Marny, Jacques. *Le monde étonnant des bandes dessinées*. Paris : Éditions du Centurion, 1986.
- Claude Hagège and Andrée Tabouret-Keller and Henry Schogt. (2000). " *Les introuvables d'André Martinet* ". In: *La linguistique : connotations, poésie et culture To Honor Roman Jakobson*. N.36/1.2, pp. 445-454.
- RACCAH, Pierre-Yves. (2005). *Une description de l'excessivité en sémantique des*

points de vue, Cahiers du CERLICO. pp. 171-190.

- RACCAH, Pierre-Yves. (2004) *Une sémantique du point de vue : de l'intersubjectivité à l'adhésion*, in : *Discours social*, Montréal. pp.205-242.
- Raccah, Pierre- Yves. (2002). "*Les points de vue qui s'expriment avant qu'on ait parlé*". in : *Les facettes du dire : Hommage à Oswald Ducrot*. Carel, Marion (éd.). Paris :Kimé, .pp. 242-268.
- Vinay, Jean-Paul et Darbelnet, Jean. *Stylistique comparée du français et de l'anglais : Méthode de traduction*. Paris : Didier. 1971.
- Ylä-Outinen, Laura. *L'influence des onomatopées anglaises sur les onomatopées françaises et finnoises dans la bande dessinée*. Mémoire de licence, Université de Jyväskylä, Institut des langues modernes et classiques, 2009.